



دین ورزیدگی

اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی و کتاب دین و زندگی (۱)

مکتب‌های علمی امام‌ها

برنامه‌ی دومین محفل قرآنی است که به آن برنامه‌ی تربیت دینی و اخلاقی و راه‌نمایان قرآن کریم می‌گویند. با توجه به این اصول و روش‌های متنوع، همه‌جانبه و همه‌پوش فراوانی که در این محفل‌ها در جهت هدایت و تربیت دینی و اخلاقی مسلمانان، مؤلفان و حتی مفسران و مترجمان و محققان از معجزات با ترجمه‌ی نسبی که با برنامه‌ی قرآنی بنیادین کتابها باید بر محور این اصول بناهای خود را بر مسلمانان داشته‌اند. آموزش و پرورش در این مرحله، دانش آموزان باید در طول سال‌های تحصیلی، در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، سه گام اصلی را بردارند:

سوم: تعیین اولویت‌های آموزشی
چهارم: روش‌های تعلیمی و تربیتی
با توجه به ضرورت موضوع شایسته است، در زمینه‌ی رسالت آموزش و پرورش در آموزش قرآن کریم و رابطه‌ی آن با تعلیم و تربیت دینی در دوره‌ی متوسطه توضیح مختصری داده شود.
قرآن کریم کتاب هدایت انسان‌ها به سوی رستگاری و راهنمای زندگی ما مسلمانان است. در نتیجه، هر فرد مسلمانی باید با این کتاب آشنا باشد و از هدایت‌های آن بهره‌برد. برای رسیدن به این مرحله، دانش‌آموزان باید در طول سال‌های تحصیلی، در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، سه گام اصلی را بردارند:

1. محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات الله علیهم)
این محوریت باید در چهار جهت عملی شود:
اول: تبیین مبانی تعلیم و تربیت دینی در زمینه‌هایی مانند:
هدف‌گذاری از تعلیم و تربیت، نسبت انسان و دین، و رویکردها
دوم: تدوین محتوا و متون تعلیمی

- الف) بتوانند قرآن کریم را به راحتی و صحیح بخوانند.
 - ب) توانایی نسبی و اجمالی درک معنای آن را کسب کنند.
 - ج) با معارف و مفاهیم محوری آن آشنا شوند و برای تدبیر در آن توانایی نسبی به دست آورند.
- این سه گام از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و به هم کمک می‌کنند. با این حال، در برنامه‌ی جدید آموزش قرآن، گام اول به دوره‌ی ابتدایی، گام دوم به دوره‌ی راهنمایی و گام سوم به دوره‌ی متوسطه

اختصاص یافته است. البته گام‌های اول و دوم در دوره‌های بعد هم تقویت می‌شوند. پس دوره‌ی متوسطه، مرحله‌ی تدبیر در قرآن کریم و آشنایی با معارف آن است.

از طرف دیگر، برنامه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی می‌کوشد، قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم) را در بندهای چهارگانه‌ی قبل محور قرار دهد و درس‌های زندگی را از این کتاب شریف و سیره‌ی آن بزرگواران اتخاذ کند و به دانش‌آموزان برساند. بنابراین، دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه که به توانایی نسبی برای مراجعه به این کتاب شریف رسیده‌اند، باید راه تدبیر در قرآن را بیاموزند و تمرین کنند تا با سرچشمه‌ی اصلی معارف دین آشنا شوند.

۲. تبعیت از توصیه‌های معصومین (صلوات‌الله‌علیهم) در شیوه‌های تربیتی و اصول تعلیم و تربیت

معصومین بزرگوار، مریبان بزرگ انسان‌ها هستند و با درک عمیقی که از ابعاد تربیتی و هدایتی شخصیت انسان دارند، بهترین راهنمایی‌ها را در زمینه‌ی تعلیم و تربیت ارائه کرده‌اند. پس ضروری است، با مراجعه به آثار این بزرگواران و الگو گرفتن از آنان، راه درست هدایت را بیابیم و در برنامه‌ها به کار بندیم.

۳. توجه به نیازها در آموزش

الف) دو دسته نیاز در آموزش باید مورد توجه باشد: اول نیازهای انسانی که مقصود از آن‌ها، کمالات بالقوه‌ای است که هر انسانی فطرتاً سعادت خود را در آن‌ها می‌یابد و به نحو جبلی، آن‌ها را جست‌وجو می‌کند. توجه به آن‌ها در آموزش، سبب میل و رغبت درونی دانش‌آموز می‌شود؛ به گونه‌ای که در مسیر آموزش، در ضمیر خود احساس طمأنینه و امنیت خاطر می‌نماید، موضوع طرح شده را مسأله‌ی خود می‌یابد و با آن فعالانه برخورد می‌کند.

دوم نیازهای منبعث از شرایط اجتماعی که در تضارب فرهنگی و اخلاقی و تحولات اجتماعی پدیدار می‌شوند. ملاحظه‌ی نیازهای روز سبب می‌شود، تربیت دینی دانش‌آموز متناسب با زمان صورت گیرد و آموزش جنبه‌ی کاربردی پیدا کند. همچنین متعلم با دیدن این آموزش‌ها، مسیر زندگی اجتماعی را به سهولت تشخیص دهد، و با جریانات اجتماعی، سنجیده برخورد کند و صرفاً منفعل و تأثیرپذیر نباشد.

ب) محور قرار گرفتن نیازهای روز دانش‌آموز، سبب جزئی‌نگری و گزینش در مفاهیم دینی و مانع ارائه‌ی دید کلی و جامع می‌شود. به علاوه آموزش را به سمت عملگرایی و دنباله‌روی از حوادث می‌کشاند. برای اجتناب از این امر، باید نیازهای انسانی و

ثابت که از ندای درونی و فطرت آدمی سرچشمه می‌گیرند، محور قرار گیرند و نیازهای روز و فوری دانش‌آموز در چارچوب آن‌ها پاسخ داده شوند. علاوه بر این، می‌توان نیازهای روز را زمینه‌ی ورود به معارف کلی و محوری دین قرار داد تا هم انگیزه‌ی لازم در دانش‌آموز به وجود آید و هم حضور این معارف در زندگی ملموس شود.

۴. استفاده از دانش روز

تعلیم و تربیت به عنوان یک علم، با اتکا به تجربه‌های انسانی در حال پیشرفت و توسعه است. این علم با استفاده از دانش روان‌شناسی، به خصوص روان‌شناسی رشد، می‌تواند در خدمت تعلیم و تربیت دینی قرار گیرد. مسلماً در این جا، مانند سایر علوم انسانی، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است و توصیه‌های گوناگونی مبتنی بر تنوع دیدگاه‌ها، پیشنهاد می‌شوند. آن دسته از توصیه‌ها که متناسب با دیدگاه تعلیمی و تربیتی اسلام هستند، سبب ارتقای کیفی تربیت و دستیابی به شیوه‌های مطلوب‌تر می‌شوند.

۵. تنظیم محتوا در چارچوب برنامه‌ی نظری و عملی زندگی، متناسب با حضور در دنیای امروز

یکی از ضرورت‌های تربیت دینی، قرار دادن راه عملی و برنامه‌ی زندگی پیش روی نسل امروز است؛ نسلی که می‌خواهد در دنیای امروز زندگی مذهبی داشته باشد، در زندگی عزتمند خود احساس حقارت و کمبود شخصیت نکند، و با سربلندی، حضور مؤثری در جامعه داشته باشد و به رضایت درونی برسد.

یکی از ضرورت‌های تربیت دینی، قرار دادن راه عملی و برنامه‌ی زندگی پیش روی نسل امروز است؛ نسلی که می‌خواهد در دنیای امروز زندگی مذهبی داشته باشد

۶. تنظیم محتوا بر اساس «اصل پیشرفت تدریجی»

با توجه به این که تنظیم راه زندگی و تغییر رفتار و نیز ملکه شدن خصائل، به برنامه‌ای تدریجی نیاز دارد، محتوای کتاب باید به گونه‌ای تنظیم شود که گویی این راه، گام به گام و مرحله به مرحله در حال پیموده شدن است و هر جوان و نوجوانی می‌تواند خود را در این راه ببیند و با راهیان آن همراه شود.

۷. استفاده از شیوه‌های بیدارگری وجدان و نفس لوامه

با پیروی از قرآن کریم، و با توجه به پاک بودن فطرت نوجوان و جوان، بخشی از آموزه‌های دینی در قالب‌هایی عرضه شوند که وجدان را برانگیزند و نفس لوامه را به خود جلب کنند.

۸. توازن در پرورش روحیه‌ی تعقل، تعبد و تعلق قلبی

قرآن کریم نسبت انسان با خدا و دستورات الهی را در سه مرتبه مطرح می‌کند:

اول: انجام تکلیف و اطاعت از خداوند بر اساس قبول رابطه‌ی بندگی و اعتماد مطلق به خداوند و تسلیم در برابر خواسته‌های او؛ توجه به اوامر و نواهی خداوند و قبول آن‌ها بر اساس اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند بر جهان و انسان.

دوم: همین انسان که عمل را از سر اطاعت مطلق انجام می‌دهد، در تحلیل عقلی درمی‌یابد که اوامر و نواهی الهی بنا بر مصالحی است که کمال و رشد انسان را تضمین می‌کنند. این تصدیق عقلی، کیفیت عمل را تعالی می‌بخشد و اعتماد شخص را افزایش می‌دهد.

سوم: همین انسان از زاویه‌ای دیگر به خدا که جمال و کمال

تربیت دینی با پیدایش میل و کشش در قلب دانش آموز آغاز می‌شود. این میل و کشش نیز آن‌گاه پدید خواهد آمد که مخاطب فرصت‌هایی برای تأمل و اندیشه بیابد و درباره‌ی زیبایی‌های دین بیندیشد.

مطلق است، عشق می‌ورزد و او را مقصد، مقصود و محبوب خود می‌یابد و می‌کوشد رضایت خاطر دوست را فراهم کند. پس هر کاری را که محبوب دوست دارد، انجام می‌دهد و از آنچه دوست متنفر است، دوری می‌کند.

این سه بُعد نه تنها با یکدیگر تنافر ندارند، بلکه مکمل و متمم یکدیگرند و به میزانی که انسان به کمال برسد، توانایی او در جمع این سه بُعد افزایش می‌یابد. تبیین دین با توجه به این سه بُعد، معقولیت دین را روشن می‌کند، زیبایی‌های آن را عیان می‌سازد و تعبد در پیشگاه خداوند را تضمین می‌کند.

۹. ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب

پیش از عرضه‌ی معارف، ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب ضروری است. اگر وی به این معارف احساس نیاز نکند، به سوی

آن روی نخواهد آورد و شهد و شیرینی آن را نخواهد چشید. چنین مخاطبی، به شخصی می‌ماند که با احساس سیری کاذب بر سر سفره‌ای رنگین نشسته است و به هیچ یک از غذاها میل ندارد. نباید چنین اندیشید که بهتر است از فرصت استفاده کرد و همه چیز را به دانش آموز گفت. این سیرایی در واقع، سراب است. باید شرایطی فراهم کرد که متعلم احساس نیاز کند و با طلب درونی، به سوی معارف دینی روی آورد.

آب کم جو تشنگی آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست

۱۰. فراهم کردن فرصت تفکر و تأمل

تربیت دینی با پیدایش میل و کشش در قلب دانش آموز آغاز می‌شود. این میل و کشش نیز آن‌گاه پدید خواهد آمد که مخاطب فرصت‌هایی برای تأمل و اندیشه بیابد و درباره‌ی زیبایی‌های دین بیندیشد. در این تأملات است که گرایش‌های فطری دانش آموز با زیبایی‌های دین همراهی می‌کند و از درون وی انگیزه‌ی رفتن به سوی معارف دینی شکل می‌گیرد.

۱۱. برقراری ارتباط و تعامل میان مباحث نظری و عملی

مباحث نظری و مباحث عملی (اخلاق و احکام) باید به گونه‌ای طرح شوند که پیوند میان آن‌ها نشان داده شود. همان‌گونه که میان قوه‌ی تفکر و تعقل انسان با اعمال و رفتار او رابطه هست و در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، مباحث نظری و عملی هم نباید به صورت بخش‌هایی مجزا و بی‌ارتباط طرح شوند. این امر سبب می‌شود که دانش آموز درک کند، مباحثی مانند خداشناسی، معاد و نبوت، تأثیری ملموس و روشن در زندگی و رفتار وی دارند.

۱۲. پرورش مهارت‌های ذهنی

انسان دیندار، علاوه بر این که به وظایفی مانند نماز، روزه، صداقت در گفتار، و کمک به نیازمندان عمل می‌کند، اهل تفکر، اندیشه و ورزی، تحقیق، تجزیه و تحلیل، و حقیقت‌جویی نیز هست و این‌ها را هم از جمله خصلت‌های دینی می‌شمارد. پس برنامه‌ی درسی باید به گونه‌ای تنظیم شود که مهارت‌هایی مانند خلاقیت فکری، حقیقت‌جویی، هم‌فکری و مشورت، قدرت تحقیق و مطالعه، و توانایی استدلال را در دانش آموز تقویت کند.

۱۳. فراهم کردن شرایط استفاده از فناوری‌های جدید در آموزش

فناوری‌های جدید، نه تنها انتقال اطلاعات را آسان کرده‌اند،

و تصویر استفاده شود.

۱۷. **انعطاف و تدریج در آموزش با توجه به نیازها و مقتضیات**
از آنجا که یکی از هدف‌های آموزش توجه به نیازها و مقتضیات روز نسل جوان است، برنامه‌ی درسی باید دارای چنان انعطافی باشد که دائماً جوابگوی این نیازها باشد و امکان آموزش موضوعات جدید را برای معلم و فعالیت و تحقیق را برای دانش‌آموز فراهم آورد.

۱۸. **اجتناب از طرح غیر ضروری تشکیک و شبهه**
از طرح تشکیک و شبهه در مسائل دینی تا حد امکان اجتناب شود، زیرا طرح تشکیک و شبهه، دانش‌آموز را از عصمت فطری‌اش خارج می‌کند. بهتر است موضوعاتی مانند خدا، معاد و نظایر آن را به عنوان اصل موضوع در نظر گرفت و تصویری صحیح، زیبا و جذاب از آن‌ها ارائه کرد؛ به نحوی که نوجوان احساس کند، با درک و پیوند با این حقایق اشباع می‌شود و احساس نشاط و اطمینان می‌نماید. در موارد ضروری، در سال‌های آخر دوره‌ی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی، باید به طور غیرمستقیم به دفع شبهات پرداخت. این کار باید در چارچوب دادن آگاهی عمیق، جامع و مستدل صورت گیرد. با تقویت ایمان دینی و علاقه و اشتیاق برای عمل به فرایض و نیز شناخت صحیح معارف و تعلیمات دینی، زمینه‌ای فراهم می‌آید که دانش‌آموز در برخورد با شبهه متزلزل نشود و خود در صدد حل آن برآید.

۱۹. **دوری از افراط و تفریط در بیان محتوای آموزشی**
از افراط و تفریط در آموزش اجتناب شود و فقط آنچه که نیاز آموزش است، بیان شود. از طرح مسائلی که متناسب با نیاز نوجوان یا هماهنگ با مرحله‌ی آموزش نیست نیز خودداری شود. خصوصاً که افراط و بیش از اندازه و نابه‌جا گفتن خطرناک‌تر است و احیاناً سبب مسأله‌دار شدن دانش‌آموز و یا بدفهمی و انحراف فکری وی می‌شود.

۲۰. **اولویت دادن به بیان امور مثبت**
مقدم داشتن آموزش امور مثبت دین مثل توحید و فضائل پیامبران، بر امور منفی مانند شرک و ظلم؛ تا بدین وسیله، ظرف روح دانش‌آموز از حقایق دینی سیراب و اشباع شود و آثار توحید در شخصیت نوجوان ظهور پیدا کند. ارائه‌ی تصویری مثبت از جهان، انسان و جامعه موافق فطرت دانش‌آموز است و وقتی دانش‌آموز با چنین تصویری خو گرفت، غیر آن را نفی می‌کند.

بلکه سبب تسهیل در سازماندهی آموزش نیز شده‌اند. برنامه‌ی درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان خروج تدریجی از وضع موجود و عدم تکیه‌ی مطلق بر کتاب درسی را فراهم کند و تا حد امکان، ابزارهای کمک‌آموزشی از قبیل فیلم و رایانه را به خدمت گیرد.

۱۳. **توجه به نیازهای روز دانش‌آموز، بر محور نیازهای اصیل و فطری وی**

دین پاسخگوی نیازهای اصیل و فطری انسان، مانند میل به کمال و جاودانگی، معنویت‌گرایی و زیبایی دوستی است. در عین حال، دین برنامه‌ی زندگی انسان است و باید بتواند پاسخگوی نیازهای متفاوتی باشد که در عرصه‌ی زندگی فردی و اجتماعی ظاهر می‌شوند. این نیازها عموماً ناشی از شرایط اجتماعی یا آسیب‌های فرهنگی هستند که بر زندگی و شیوه‌های رفتار او تأثیر می‌گذارند. برای مثال، اگر به سبب برخی عوامل اجتماعی، آرمان‌خواهی، نوع دوستی و مانند آن در جامعه ضعیف شود، توجه به آن‌ها در برنامه‌ی درسی ضرورت پیدا می‌کند.

۱۵. **ترسیم سیمای معقول و زیبای دین**

ذات دین در نهایت معقولیت و زیبایی است. زیرا هم از جانب خدای حکیم و جمیل آمده، و هم راه‌هدایتی است که نه تنها قوه‌ی نظری و عقلی انسان را به کمال می‌رساند، بلکه به او شخصیتی با زیبایی‌های معنوی می‌بخشد. گاهی این دین زیبا و معقول، با کج‌سلیقگی‌ها و افراط و تفریط‌ها به گونه‌ای معرفی می‌شود که برای مخاطب جاذبه‌ی چندانی ندارد. معارف نظری دین باید همان گونه که هستند، در نهایت اتقان و استحکام عقلی و عملی عرضه شوند تا عقل را اقناع کنند. احکام و دستورات عملی آن نیز باید به صورتی مطرح شوند که یک زندگی بسیار زیبا و جذاب را برای مخاطب ترسیم کنند.

۱۶. **بهره‌گیری از امکانات هنری در شکل و محتوا**

خدای جمیل، خالق زیبایی‌ها، دین سازنده‌ی انسان زیبا، و هنر وسیله‌ی بیان زیبایی‌هاست. برنامه‌ای هم که می‌خواهد دانش‌آموزان را با زندگی دینی آشنا کند، نمی‌تواند «عاری از هنر» باشد. از این رو، با الهام از قرآن کریم که معجزه‌ی زیبایی است، برنامه‌ی دینی باید در مراحل متفاوت از انواع هنرها بهره‌برد و بدین وسیله تأثیرگذاری قلبی آموزش را افزایش دهد. از سبک نگارش و طراحی درس گرفته تا صفحه‌بندی کتاب درسی و نیز نحوه‌ی آموزش دبیر، در همه‌ی این مراحل باید از شیوه‌های گوناگون هنری، از قبیل: شعر، نقاشی، خطاطی، داستان، فیلم